

مقدمه

آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، از فقیهان و مراجع تقلید بزرگ شیعه حدود یک قرن پیش بود. شاخصیت علمی — فقهی وی را می‌توان در سه زمینه «قوت و نوآوری علمی»، «تدریس کم‌نظیر» و «نگارش کفایة الاصول» ذکر کرد.

این فقیه بزرگ در جریان نهضت مشروطیت ایران، از آن حمایت کرد و در این زمینه، فعالیت‌های زیادی انجام داد. اقدامات ایشان با توجه به جایگاه اجتماعی برجسته‌اش، موجب شد عملاً در دوره مو سوم به استبداد صغیر و اوایل مشروطه دوم، به یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های تأثیرگذار در میان حامیان نظام مشروطه تبدیل شود و رهبری مشروطه‌خواهان مذهبی را پذیرا گردد.

هریک از دو ویژگی مزبور (علمی و سیاسی) کافی است تا موجب اهمیت یافتن یک شخصیت و بررسی اندیشه سیاسی وی شود. با این حال، اگر در کنار این دو ویژگی، مواضع تاریخی و اندیشه‌های یک شخصیت، مرتبط با حیات فعلی یک جامعه در عرصه سیاسی شناسانده شود و از اندیشه‌های آن متفکر در تثبیت یا نقد نظام سیاسی خاص حاکم بر جامعه استفاده گردد، طبیعی است که بررسی حیات و اندیشه وی، اهمیت بیشتری خواهد یافت.

بر اساس آنچه ذکر شد، اهمیت موضوع «بررسی اندیشه سیاسی آخوند خراسانی» را از سه جنبه می‌توان بیان کرد:

۱. برجستگی علمی آخوند در تاریخ اجتهاد شیعه؛

۲. رهبری ایشان در نهضت مشروطیت ایران؛

۳. ارتباط موضع و اندیشه سیاسی ایشان با وضعیت سیاسی حال و آینده ایران.

در دهه اخیر، اهتمام به زندگی و اندیشه سیاسی آخوند خراسانی، افزایش چشم‌گیری یافته است. در همین زمینه، شاید بتوان گفت، آثار نوشته شده در قالب مقاله و کتاب درباره حیات و اندیشه سیاسی آخوند در دهه اخیر با آثار نوشته شده در این موضوع در مدت قریب یک سده قبل از آن برابری می‌کند. با توجه به عنوان مقاله، در بیان ادبیات و پیشینه تحقیق، طبیعی است محور بحث «اندیشه سیاسی آخوند خراسانی»، باشد؛ اما دو موضوع دیگر در این زمینه حایز اهمیت است:

۱. تبیین صحیح و جامع اندیشه سیاسی یک متفکر نمی‌تواند بدون توجه به اندیشه‌های دیگر وی و نیز بدون در نظر داشتن ابعاد شخصیتی و رفتار او در عرصه‌های گوناگون (سیاسی، اخلاقی، اجتماعی...) صورت پذیرد. در این میان، آگاهی از مواضع و رفتار سیاسی اندیشمند، جایگاه و اهمیت بیشتری در

بررسی انتقادی ادبیات و پیشینه تحقیق درباره اندیشه سیاسی آخوند خراسانی

Javadi4@qabas.net

علیرضا جوادزاده / عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۲/۲/۳۰ - پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۹

چکیده

در بررسی حیات و اندیشه سیاسی آخوند خراسانی، سه نوع منبع قابل ذکر است: ۱. تألیفات و آثار نوشتاری آخوند در عرصه سیاسی؛ ۲. نقل‌های معاصران آخوند درباره ایشان؛ ۳. آثار تحقیقی و تحلیلی درباره آخوند (با تأکید بر حیات و اندیشه سیاسی). در میان منابع تحقیقی و تحلیلی درباره اندیشه سیاسی آخوند، دو طیف مهم وجود دارد: گروهی از نویسندگان، که مبنای مشروعیت حکومت را خواست مردم می‌دانند، با تکیه بر برخی اسناد، گزارش‌ها و ارائه تحلیل‌هایی از مواضع سیاسی آخوند در دوره نهضت مشروطیت، تلاش کرده‌اند تفکر ایشان را به نوعی، سازگار با اندیشه‌های مردم‌سالار غربی، و در تقابل با اندیشه سیاسی دیگر فقهای شیعه قرار دهند. در نقطه مقابل این رویکرد، دیدگاه و تفسیری متفاوت - و البته صحیح - وجود دارد که آخوند را همچون فقهای دیگر، موافق انحصار مشروعیت حکمرانی به فقیهان در عصر غیبت بیان کرده، مشروطه‌خواهی آخوند را (به عنوان یک الگوی سیاسی که مبتنی بر اندیشه سیاسی ثابت درباره ولایت عامه فقهاست)، در طول - و نه در عرض - آن معرفی می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: اندیشه سیاسی، مشروعیت حکومت، ولایت فقیه، نهضت مشروطیت، آخوند.

زمینه شناخت اندیشه سیاسی وی دارد. بدین‌رو، در تبیین اندیشه سیاسی یک متفکر، تحقیق تفصیلی از حیات سیاسی وی امری لازم به‌شمار می‌رود؛

۲. در بررسی نقل‌ها و پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره آخوند، ارائه تفکیک دقیق میان حیات و اندیشه سیاسی آخوند با ابعاد شخصیتی و اندیشه‌های دیگر وی (علمی، اخلاقی و اجتماعی) مشکل است، و به‌ویژه در برخی از این آثار و تحقیقات، نمی‌توان مرزبندی روشن و شفاف در این زمینه در نظر گرفت.

با توجه به این دو نکته، گرچه ذیل عنوان مزبور، محور بحث بیان ادبیات و پیشینه تحقیق در خصوص حیات و اندیشه سیاسی آخوند خراسانی است، با این حال، برخی از منابعی که ذکر می‌شود، چند بُعدی بوده، بخش‌ها یا زوایایی از آن، به صورت غیرمستقیم با موضوع ارتباط دارد.

در بررسی حیات و اندیشه سیاسی آخوند خراسانی، سه نوع منبع قابل ذکر است:

۱. تألیفات و آثار نوشتاری آخوند در عرصه سیاسی؛

۲. نقل‌های معاصران آخوند درباره وی؛

۳. آثار تحقیقی و تحلیلی درباره آخوند (با تأکید بر حیات و اندیشه سیاسی).

در ذیل، به اختصار، به معرفی این منابع با رویکرد انتقادی پرداخته می‌شود:

۱. تألیفات و آثار نوشتاری آخوند در عرصه سیاسی

آثار نوشتاری سیاسی به‌جای‌مانده از آخوند یا منتسب به آخوند را می‌توان در دو قسم دسته‌بندی کرد:

۱. مطالب و دیدگاه‌های سیاسی آخوند در ضمن کتاب‌های تألیفی وی

در میان تألیفات آخوند، کتابی که به صورت مستقل به سیاست پرداخته با شد، نمی‌شناسیم؛ اما در بخش‌هایی از چند کتاب فقهی ایشان، می‌توانیم به برخی دیدگاه‌های سیاسی ایشان پی ببریم:

مهم‌ترین منبع بیان‌کننده اندیشه سیاسی آخوند در حوزه مشروعیت حاکم، حاشیه ایشان بر بحث ولایات سه‌گانه شیخ مرتضی انصاری در *المکاسب* است. آخوند در این بخش از حاشیه خویش بر کتاب مزبور، به تبع استادش، دیدگاه خود را درباره ولایت ائمه اطهار علیهم‌السلام، ولایت فقیه و ولایت شیعیان عادل مطرح کرده است. در میان شانزده حاشیه آخوند در بحث ولایات سه‌گانه، دو حاشیه ایشان مهم‌تر است: در یکی از این دو حاشیه، آخوند اولاً، ولایت ائمه معصومان را منحصر در امور عمومی دانسته، ولایت آنها بر امور شخصی افراد را - برخلاف مشهور علمای شیعه - نمی‌پذیرد؛ ثانیاً، دلالت ادله روایی

بر شمول ولایت فقیه در امور عمومی را قاصر می‌داند (خراسانی، ۱۴۰۶ق، ص ۹۳-۹۵). اما در حاشیه دیگر، وی با تمسک به قدر متیقن (که از آن به «دلیل حسبه» تعبیر می‌شود)، می‌نویسد:

لکن از این ادله [= ادله روایی] می‌توان به دست آورد که فقیه، قدر متیقن از میان کسانی است که احتمال داده می‌شود مباشرت یا اذن و نظر آنها معتبر در تصرفات [ضروری و در حوزه عمومی] باشد؛ همچنانکه مؤمنین عادل در صورت فقدان فقیه، قدر متیقن از کسانی هستند که تصرفشان مشروعیت دارد (همان، ص ۹۶).

طبق این حاشیه، آخوند از راه قدر متیقن و حسبه، انحصار حقانیت و مشروعیت حکمرانی به فقیهان در عصر غیبت را می‌پذیرد.

کتاب‌هایی که آخوند در آنها به ذکر فتاوی خویش برای عمل مقلدان نگاهشسته، دربردارنده برخی دیدگاه‌های سیاسی ایشان است. بیشتر آثار فتوایی ایشان در کتابی با عنوان *فقه فتوایی آخوند خراسانی*، در سه جلد، در سال ۱۳۹۰، به مناسبت «کنگره بزرگداشت آخوند خراسانی» (توسط پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در قم) جمع‌آوری و منتشر شد.

دو تقریر از مباحث «قضاء» آخوند را نیز، که توسط میرزا محمد آقازاده و آقاجنئی قوچانی، به صورت مستقل به نگارش درآمده است - با تسامح - می‌توان در همین قسم، یعنی آثار نوشتاری آخوند، جای داد. آخوند در دو جا از بحث «قضاء»، به مناسبت، ادله روایی ولایت فقیه را ذکر و دلالت آنها بر شمول ولایت در امور عمومی را بررسی و نقد کرده است (خراسانی، ۱۳۹۱، ص ۱۷-۱۸ و ۳۰-۳۱؛ نجفی قوچانی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۹-۲۲۰ و ۲۳۲) با این حال، طبق تقریر آقازاده، آخوند در موضع دوم، به پذیرش عمومیت روایت مقبوله عمرین *حظله* تمایل نشان داده است (خراسانی، ۱۳۹۱، ص ۳۰-۳۱). با فرض عدم قبول روایات نیز، طبعاً دیدگاه آخوند در حاشیه *مکاسب* مبنی بر تمسک به قدر متیقنن و دلیلی حسبه باقی بود.

۲. آثار نوشتاری سیاسی پراکنده اعم از نامه، تلگراف و تقریظ

بخش قابل توجهی از نوشته‌های سیاسی آخوند، آثار متعدد و در عین حال، کوتاهی است که ایشان در قالب نامه، تلگراف و تقریظ، ناظر به رخداد‌های سیاسی جامعه ایران و تا حدی عثمانی به نگارش درآورده است. بیشتر این آثار، در جریان حوادث نهضت مشروطیت ایران و طی پنج سال آخر عمر آخوند نگاشته شده است. طبق گفته برخی افراد خاندان آخوند، اصل اسناد و مدارک سیاسی آخوند در منزل فرزند ارشد ایشان در نجف نگهداری می‌شد. در سال ۱۳۵۶، حکومت عراق به منزل ایشان هجوم برد و ضمن جست‌وجوی وسایل منزل، «کلیه اسناد و مدارک سیاسی و علمی، از مکتوبات و

استفتانات، همه را برداشتند و بردند» و در حال حاضر، از وضعیت آنها اطلاعی در دست نیست (مصاحبه با حجة الاسلام و المسلمین عبدالرضا کفایی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۲).

با توجه به این مطلب، آثار کوتاه سیاسی آخوند را باید در منابع دیگر جست‌وجو نمود. این آثار به سبب کثرت، کوتاهی متن و نگارش آنها به اقتضای رخدادها و شرایط زمانی گوناگون طی چند سال، در کتاب‌ها و نشریات گوناگون پراکنده است.

نکته مهمی که درباره اسناد و آثار پراکنده سیاسی آخوند باید بدان توجه داشت، مسئله جعل و سانسور احتمالی آنهاست. توضیح آنکه، در بررسی ابعاد نهضت مشروطیت و موضع شخصیت‌های برجسته در آن، بدون توجه به صحت اسناد منتشر و شایع شده درباره افراد و گروه‌ها — به‌ویژه آنچه در نشریات آن دوره و تواریخ عمومی مشروطیت آمده است — همچنین بدون تلاش برای یافتن اسناد سانسور و کتمان شده یا کمتر انتشار یافته، به صورت طبیعی نمی‌توان به نتیجه‌گیری صحیح و واقعی دست یافت؛ چراکه فضای عصر مشروطه، فضایی ناآرام و پرتنش بود و در چنین شرایطی، ترویج شایعات و نسبت‌های نادرست، و کتمان حقایق و اسناد، و گزینشی عمل کردن یا تغییر و وارونه ساختن آنها رواج داشت.

در هر حال، تعداد زیادی از آثار نوشتاری سیاسی پراکنده آخوند در نشریات منتشر شده در دوره زمانی نهضت مشروطه (همچون *حبل‌المتین*، *مجلس و نجف*) و برخی کتاب‌های تاریخی و خاطرات این دوره (مانند *تاریخ بیداری ایرانیان*، *تاریخ مشروطه ایران* و *واقعات اتفاقیه در روزگار*)، و نیز «صورت مذاکرات مجلس شورای ملی»، انعکاس یافته است.

برخی اطرافیان و شاگردان آخوند به ثبت تعدادی از این آثار اقدام کرده‌اند. در همین زمینه، کتاب *حیات الاسلام فی احوال آیه‌الملك العالم*، نوشته آقاجنئی قوچانی قابل ذکر است. آقاجنئی در این کتاب — در کنار ذکر مقدمه‌ای در شرح حال آخوند، و مؤخره‌ای در بیان کیفیت وفات ایشان — برخی نامه‌ها و تلگراف‌های آخوند در مسائل سیاسی دوره نهضت مشروطیت را همراه با برخی توضیحات، درج کرده است. از میان حدود ۹۵ تلگراف و نامه ذکر شده در کتاب مزبور، ۶۴ مورد توسط آخوند — به‌تنهایی یا به صورت مشترک — نوشته شده و ۳۱ مورد توسط دیگران در ارتباط با ایشان نگاشته شده است. از مهم‌ترین ضعف‌های این کتاب، می‌توان به «برخورد گزینشی» و «رعایت نکردن توازن در ثبت اسناد» اشاره کرد (درباره این کتاب، در ادامه، بیشتر سخن می‌گوییم).

کتابی نیز با عنوان *آخوند خراسانی به روایت اسناد*، به کوشش آقای علی ططری و خانم فاطمه ترک‌چی، در سال ۱۳۹۰ به مناسبت «کنگره بزرگداشت آخوند خراسانی» (توسط پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در قم) منتشر شد. در این مجموعه، قریب ۱۴۰ سند از «کارکردهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی آخوند خراسانی» در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۱ آمده است. برخی از این اسناد قبلاً در کتاب‌های دیگر منتشر شده بود و نیز برخی اسناد منتشر نشده که در این کتاب آنته‌شار یافته، مربوط به مسائل شخصی افراد بوده و شاید کم‌اهمیت جلوه کند. اشکال مهم این کتاب، که قابل چشم‌پوشی نیست، وجود اشتباهات و اغلاط متعدد در آن، از جمله در عنوان‌گذاری‌ها و ثبت تاریخ برخی اسناد است.

از جمله آثار پراکنده سیاسی آخوند، تقریظ‌های وی بر برخی کتاب‌ها و نوشته‌های سیاسی است. یکی از مهم‌ترین این تقریظ‌ها، تقریظ بر رساله مهم «تنبيه‌الامة و تنزيه‌الملّة» نوشته شاگرد و صحابی خاص آخوند، میرزا محمدحسین نایینی است. از آنجا که نایینی در بخش‌های گوناگون و موارد متعدد از رساله خویش، بحث نیابت عامه و حاکمیت سیاسی فقیهان را به عنوان امری مسلم و از «قطعیات مذهب» ذکر کرده است، از تقریظ آخوند به این رساله، به وضوح می‌توان بدست آورد: آخوند (هم‌چنان‌که در حاشیه خویش بر مکاسب بر مبنای دلیل قدر متیقن نظر داده بود)، بر دیدگاهش نسبت به انحصار مشروعیت حکمرانی سیاسی به فقیهان در عصر غیبت، استوار است.

جمع‌آوری تألیفات و آثار پراکنده سیاسی در یک کتاب

در سالیان اخیر، بخش قابل توجهی از تألیفات و آثار نوشتاری آخوند یا منتسب به ایشان که در ارتباط با سیاست است، با تلاش آقای محسن کلدیور در یک مجموعه جمع‌آوری شد و در سال ۱۳۸۵، با عنوان *سیاست‌نامه خراسانی: قطعات سیاسی در آثار آخوند ملا محمد کاظم خراسانی* انتشار یافت. این مجموعه به لحاظ محتوایی، دارای سه بخش است:

۱. مقدمه تحلیلی و توضیحی نویسنده (به‌ویژه بخش اول مقدمه که به اختصار، ذیل عنوان «اهم‌مميزات مکتب سیاسی خراسانی» ذکر شده است)؛
۲. بخش‌هایی از تألیفات و مطالب اصولی و فقهی آخوند که از نظر گردآورنده، مرتبط با سیاست بوده است. این مباحث ذیل هشت عنوان کلی قرار داده شده و حدود نیمی از مطالب کتاب را تشکیل می‌دهد؛
۳. نامه‌ها، تلگراف‌ها و دیگر مطالبی که مرتبط با مسائل سیاسی بوده است. این اسناد ذیل عنوان «اهم

لوايح و تلگرافات» تنظيم شده و حدود نيمي ديگر از كتاب را شكل داده است. آنچه در قسمتي از مقدمه آمده، تفسير اندیشه آخوند است که در بخش سوم بحث حاضر قرار می‌گیرد.

درباره مباحث مربوط به مسائل اصولی و فقهی آخوند، به نظر می‌رسد برخی مطالب ارتباط مستقیمی با دیدگاه‌های سیاسی آخوند ندارد و گردآورنده با پیش‌فرض خاصی به آوردن آنها در مجموعه مذکور اقدام کرده است؛ چنان‌که در انتخاب برخی عناوین جزئی، نسبت نادرست به آخوند داده شده است. در بخش «اهم لوايح و تلگرافات» نیز — فارغ از آنچه درباره لزوم بررسی جعل و سانسور اسناد ذکر شد — متأسفانه پیش‌فرض‌ها و جهت‌گیری‌های گردآورنده دست‌کم در انتخاب برخی عناوین برای اسناد، تأثیرگذار بوده است؛ امری که موجب کاستن از اتقان و وزانت علمی کتاب شده است.

ب) نقل‌های معاصران آخوند درباره وی

نقل‌های تاریخی ثبت شده درباره آخوند خراسانی توسط معاصران وی یا مستند به آنها را می‌توان در موارد ذیل دسته‌بندی کرد:

۱. شرح حال مختصر آخوند توسط معاصران ایشان در تراجم علمای شیعه

کتاب‌های متعددی در شرح حال علمای شیعه به نگارش درآمده است. این کتاب‌ها غالباً به یکی از سه صورت نگارش و انتشار یافته است:

۱. تکنگاری درباره عالمی خاص به صورت تفصیلی؛
۲. نگارش تراجم گروهی از علما که ویژگی خاص دارند؛ مثلاً مربوط به دوره زمانی خاصی هستند؛
۳. نگارش شرح حال همه علمای بزرگ شیعه (بدون اینکه عنایت به ویژگی خاصی غیر از شهرت و تأثیرگذاری زیاد در میان باشد). در دو صورت اخیر، نوعاً شرح حال به صورت مختصر ارائه می‌شود.

درباره آخوند خراسانی، هر سه نوع شرح حال وجود دارد: هم کتاب‌های مستقل متعدد درباره ایشان نگاشته شده است، هم در میان کتاب‌هایی که به صورت ویژه در معرفی علما و فقهای نسبتاً شاخص شیعه قرن سیزده و چهارده هجری (قمری) به نگارش درآمده، به شرح حال ایشان توجه شده است، و هم در کتاب‌هایی که بدون عنایت به ویژگی خاص غیر از شهرت و تأثیرگذاری زیاد — درباره علمای بزرگ شیعه نوشته شده و تاریخ نگارش آنها نیز پس از وفات آخوند است، ترجمه وی آمده است.

آثار مهم از نوع اول، در ادامه نوشتار حاضر معرفی خواهد شد. اما درباره آثار نوع دوم و سوم، باید گفت: برخی از این کتاب‌ها اصیل و برخی دیگر به عنوان منابع درجه دوم محسوب می‌شوند. منابع اصلی تراجم علمای شیعه که به صورت ضمنی یا به صورت مستقل — والته در صفحات محدود — به شرح حال علما و فقهای شیعه قرن سیزده و چهارده هجری پرداخته، عمدتاً توسط برخی محققان معاصر آخوند از جمله چند نفر از شاگردان ایشان تهیه شده است. شاید بتوان مهم‌ترین این کتاب‌ها را عبارت دانست از: *تکملة أمل الامل*، نوشته سیدحسن صدر؛ *نقباء البشر* (بخشی از *طبقات اعلام الشيعة*) نوشته شیخ آقابزرگ تهرانی (همچنین برخی مطالب شیخ آقابزرگ تهرانی درباره آخوند، در کتاب *الذریعة* آمده است)؛ *مرآة الشرق*، نوشته صدرالاسلام محمدامین امامی خویی؛ *اعیان الشيعة*، نوشته سیدمحسن امین؛ *معارف الرجال*، نوشته شیخ محمد حرزالدین؛ و *احسن الودیعه*، نوشته سیدمحمد مهدی موسوی اصفهانی کاظمی.

۲. نوشته‌های تفصیلی برخی شاگردان آخوند درباره ایشان

به نظر می‌رسد مهم‌ترین اثر در این زمینه، کتاب *حیات الاسلام فی أحوال آية الملك العالم*، نوشته سیدمحمدحسن نجفی قوچانی (*آقاجنئی قوچانی*) است. تا آنجا که تحقیقات نشان می‌دهد، این اثر در کنار کتاب *طی العوالم فی أحوال شیخنا الکاظم*، نوشته سیدهبه‌الدین شهرستانی، اولین آثار مستقل نگارش یافته درباره آخوند خراسانی به‌شمار می‌رود (هر دو کتاب در اواخر سال ۱۳۲۹ق و اوایل ۱۳۳۰ق — مدت کوتاهی پس از وفات آخوند — نوشته یا تکمیل شده است). چنانکه قبلاً ذکر شد، صبغه کلی کتاب *حیات الاسلام...*، ثبت اسناد مرتبط با موضع‌گیری‌های سیاسی آخوند خراسانی است. با این حال، در ابتدای کتاب، مطالب و توضیحاتی درباره شخصیت و زندگی آخوند، به‌ویژه خصوصیات علمی و اخلاقی ایشان، ذکر شده است. در اواخر کتاب نیز، واپسین روزهای عمر آخوند (در جریان مهاجرت به سوی ایران) و چگونگی وفات ایشان و برخی مسائل مرتبط در این زمینه، ذکر شده است. همچنین به مناسبت ذکر اسناد، افزون بر توضیح مختصری که آقاجنئی در ابتدای هر سند نوشته، در برخی موارد، به تفصیل، نکات و وقایع تاریخی و برخی توضیحات درباره تلگراف‌ها و نامه‌ها درج شده است. این کتاب، که — ظاهراً — خطی باقی مانده بود، در سال ۱۳۷۸، به کوشش آقای رضوانعلی شاکری به مناسبت بزرگداشت آقاجنئی قوچانی (توسط نشر هفت در تهران) در ۱۵۲ صفحه و زیری منتشر شد. با وجود آنکه در شناسنامه و مقدمه آقای شاکری از تصحیح کتاب خبر داده شده، اما اغلاط متعددی در آن وجود دارد. مصحح، عنوان اصلی کتاب را تغییر داده و بدین صورت آورده است؛ برگه

از تاریخ معاصر (حیات الاسلام فی احوال آیه الملک العلام) پیرامون شخصیت و نقش آخوند ملامحمد کاظم خراسانی در نهضت مشروطیت.

آقاجنمی فوجانی همچین در کتاب مشهور سیاحت شرق - که به بیان خاطرات و وقایع زندگی خود پرداخته - در برخی فصول (به ویژه فصل پنجم)، درباره آخوند خراسانی، فضای سیاسی نجف و وقایع مشروطیت، مطالب و توضیحاتی را ذکر کرده است. کتاب سیاحت شرق در سال ۱۳۰۷ نگاشته شده و در سال ۱۳۵۱ با تصحیح و مقدمه آقای رضانعلی شاکری، (توسط نشر امیرکبیر)، منتشر گردید.

به رغم ارزش بالای این دو کتاب، برخی روحیات منفی آقاجنمی و شدت ارادت وی به آخوند خراسانی، موجب شده است تا واقعیات به صورت صحیح و مدصفانه انعکاس نیافته، گزارش‌ها از موضع بی طرفی خارج شده، جانب‌دارانه بیان گردد؛ چنان‌که به برخی افراد و جریان‌ها، که از همراهان آخوند نبوده و به وی وابستگی نداشتند، نقدها و حملات تندى صورت گرفته است (ر.ک: جوادزاده، ۱۳۸۳، ص ۳۶۹-۳۷۸، ۳۷۸-۳۸۰ و ۳۹۰-۴۰۵).

سیدمحمدعلی (هبة‌الدین) حسینی شهرستانی (از دیگر شاگردان آخوند خراسانی، که فردی برجسته بود و آخوند به او عنایت داشت)، نیز کتابی در شرح حال استاد خویش به نام *طی العوالم فی احوال شیخنا الکاظم* نگاشت. اما این کتاب انتشار نیافت و بنا به گزارش برخی محققان (عبدالرحیم محمدعلی در کتاب *المصالح المجاهد الشیخ محمدکاظم الخراسانی*، ص ۱۴۵)، مفقود شده است. با این حال، بخش‌هایی از مطالب کتاب بلافاصله پس از وفات آخوند، در سه شماره از مجله *مهم العلم* - که شهرستانی آن را به صورت ماهانه منتشر می‌ساخت - درج شد. مجموع صفحاتی که در این سه شماره به تمجید و معرفی آخوند پرداخت شده، کمتر از ۲۰ صفحه است که البته قسمت‌هایی از این صفحات نیز اطلاعات خاصی دربر ندارد، و به گونه‌ای عبارت‌پردازی شده است. با این حال، همین میزان کم، به سبب ارائه گزارش دست اول و نزدیک به زمان حیات آخوند خراسانی، از سوی یکی از شاگردان برجسته و مورد عنایت وی، ارزشمند است.

۳. مطالب برخی خاطرات‌نگاران معاصر آخوند درباره ایشان

برخی افراد معاصر آخوند، که خاطرات زندگی خود را (به صورت روزنگار یا غیر آن) نگاشته‌اند، ضمن خاطراتشان، مطالبی را در ارتباط با شخصیت، زندگی و مواضع سیاسی آخوند بیان کرده‌اند. مهم‌ترین این افراد عبارتند از: محمد ناظم الاسلام کرمانی، در کتاب *مشهور تاریخ بیداری ایرانیان*؛ محمودخان احتشام السلطنه در خاطرات منتشر شده وی با عنوان *خاطرات احتشام السلطنه*؛ یحیی

دولت‌آبادی در خاطرات چند جلدی‌اش با عنوان *حیات یحیی*؛ حسن اعظام قدسی (اعظام الوزاره) در خاطرات منتشر شده دو جلدی‌اش با عنوان *خاطرات من یا تاریخ صد ساله ایران*؛ قهرمان میرزا عین‌السلطنه (سالور) در خاطرات بسیار بلندی که با عنوان *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه* انتشار یافته است، و در نهایت، *ابراهیم زنجانی* در خاطرات منتشر شده‌اش با عنوان *خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی*. کتاب *مهم هجوم روس به ایران و اقدامات رؤسای دین در حفظ ایران*، اثر حسن نظام‌الدین زاده را نیز - که در ابتدای کتاب، به مواضع و اقدامات آخوند خراسانی در جریان اولتیماتوم معروف روس در اواخر سال ۱۳۲۹، فوت ناگهانی و مشکوک و مسائل مربوط به آن می‌پردازد - می‌توان در همین قسمت قرار داد.

۴. نقل‌های تاریخی باواسطه توسط خاندان آخوند

کتاب *مرگی در نور*؛ *زندگانی آخوند خراسانی صاحب کفایه*، به وسیله آقای عبدالحسین مجیدکفایی (که هم پدر و هم مادر وی نواده آخوند بوده‌اند) نوشته شده و در سال ۱۳۵۹ (توسط انتشارات کتاب‌فروشی زوآر در تهران) در ۳۲ فصل و حدود ۴۶۰ صفحه منتشر گردیده است. این کتاب جامعیت نسبی داشته و درباره ابعاد گوناگون شخصیت و زندگی و اندیشه آخوند به بحث پرداخته است. به سبب آنکه اولین کتاب منتشر شده به زبان فارسی درباره آخوند خراسانی بوده، به ویژه آنکه نویسنده از خاندان آخوند بوده، شهرت زیادی یافته است. آقای مجیدکفایی در نگارش کتاب، علاوه بر پژوهش کتاب‌خانه‌ای، تحقیقات میدانی انجام داده و در این میان، نقل‌های متعددی درباره جد خود، به نقل از فرزندان و اعضای خاندان آخوند (و نیز برخی شاگردان آخوند، همچون سیده‌اله‌الدین شهرستانی) ذکر کرده و این موضوع در اعتبار یافتن کتاب، تأثیر ویژه‌ای برجای گذاشته است. با این حال، کتاب دارای ضعف‌های جدی است که از آن جمله می‌توان به مخلدوش بودن برخی اطلاعات آن، ارائه برخی تحلیل‌ها و تفسیرهای نادرست، ادبیات رمان‌گونه برخی مطالب کتاب (که موجب عدم تشخیص مطالب ذهنی از واقعیات می‌شود)، و عدم تعیین دقیق مستندات نقل‌های شفاهی و مکتوب، اشاره کرد. شایان ذکر است که شاکله اصلی این کتاب، نوشتاری کم‌حجم و چاپ نشده بود که نویسنده در دهه سی شمسی، با عنوان *آفتابی که غروب نمی‌کند*، به نگارش درآورده بود.

در کنار این اثر نسبتاً مهم، نوشته‌ها و مصاحبه‌هایی نیز از آقای عبدالرضا کفایی (نواده دیگر آخوند) در کتاب‌ها و نشریات متعدد منتشر شده است. شاید مهم‌ترین آنها مقاله و مصاحبه منتشر شده وی در قسمتی از کتاب مجموعه گفتار *حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آخوند*

خراسانی، و نیز مقاله‌های مفصل و تکمیل شده (با عنوان *الهدایة الی سیرة صاحب الکفایة*)، در بخشی از کتاب *سیری در سیرة علمی و عملی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی* باشد (توضیحات درباره ویژگی‌های این دو کتاب، در ادامه ذکر می‌شود).

در یک نگاه کلی می‌توان گفت: گرچه در آثار این دو نواده آخوند، مطالبی به نقل از کتاب‌های دیگر—همچون نوشته‌های *آقاجفی قورچانی*—آمده و همچنین برخی مطالب نیز تحلیل‌ها و تفسیرهای نویسندگان است که اعتبار ویژه‌ای ندارد، با این حال، بخشی از مطالب، نقل‌های شفاهی از فرزندان شاگردان و افراد مطلع بوده و همین بخش حایز اهمیت است.

۵. نقل‌های تاریخی با واسطه توسط غیر خاندان آخوند

احتمالاً مهم‌ترین اثر در این زمینه، کتاب *مجموعه گفتار حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آخوند خراسانی* است که در سال ۱۳۸۶ به کوشش آقای محسن دریاییگی (توسط مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی در تهران) انتشار یافت. این کتاب تقریباً ۶۵۰ صفحه‌ای، بیشتر به صورت تاریخ شفاهی تنظیم یافته و دارای حدود بیست مصاحبه با افرادی است که مطالبی را درباره جنبه‌های علمی، اخلاقی، سیاسی و خانوادگی آخوند - هم در قالب نقل با واسطه و هم در قالب تحلیل‌ها و تفسیرهای خود - ذکر کرده‌اند. طبعاً آنچه می‌تواند اعتبار داشته باشد، نقل‌هاست، و تحلیل‌ها و تفاسیر اعتبار خاصی ندارند.

کتاب دیگری که نام آن را می‌توان در این قسمت ذکر کرد، کتابی است حجیم با عنوان *دیدگاه‌های آخوند خراسانی و شاگردانش (یادی از پیشوای روحانی جنبش مشروطه)*. این اثر ۹۳۰ صفحه‌ای، توسط آقای اکبر ثبوت نوشته شده است. وی در سال ۱۳۸۹ در مقام انتشار آن (توسط نشر طرح نو در تهران) برآمد، اما کتاب - به سبب نسبت دادن مطالب خاص به آخوند و عدم اثبات آن نسبت‌ها - مجوز انتشار رسمی نیافته و صرفاً به صورت کپی و فایل Pdf در دسترس برخی افراد قرار گرفته است. البته بخش‌هایی از این کتاب در برخی نشریات و کتاب‌ها به صورت رسمی انتشار یافته است، شاید مهم‌ترین این موارد در کتاب *مجموعه گفتار حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آخوند خراسانی* - معرفی شده در بند قبل - باشد؛ همچنان‌که برخی مطالب آن در قالب جزوه‌های تکثیری و به ویژه فایل‌های متنی در فضای شبکه جهانی اینترنت به صورت غیررسمی منتشر شده است.

شاکله اصلی کتاب مطالبی است با جزئیات بسیار که به ادعای نویسنده، آخوند خراسانی طی جلسات متعدد و به مناسبت‌های گوناگون - عمدتاً در دوره نهضت مشروطیت - بیان کرده، و

شیخ آقابزرگ تهرانی آنها را شنیده و با تمام جزئیات به خاطر سپرده و پس از قریب پنجاه سال برای آقای اکبر ثبوت در دیدارهای متعدد نقل کرده است. مطالعه کتاب - با وجود اطلاعات زیاد ارائه شده و فضا سازی خاص تو سط نویسنده که با نوعی روان سنی از خوانندگان مفروض صورت گرفته است - خواننده را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که نه تنها آخوند خراسانی، بلکه بسیاری از علما و فقها، حتی ملا احمد نراقی! مخالف «تفویض حکومت به علمای دین» و به عبارت دیگر، مخالف حکم‌رانی فقیهان بودند.

نویسنده صرفاً به بحث نوع حکومت مشروع و جایز از دیدگاه آخوند نپرداخته، بلکه با استفاده از توانمندی علمی و گستره اطلاعاتی خود، نقل‌ها و ادعاهایی نیز درباره برخی اندیشه‌های دیگر آخوند و نیز بعضی دیدگاه‌های سیاسی - فرهنگی شاگردان مستقیم یا با واسطه آخوند ذکر کرده که از نظر نویسنده، از اندیشه‌های آخوند تأثیر عمیقی پذیرفته و از جمله، مخالف حاکمیت فقیهان بودند.

نکاتی مهم درباره پنج دسته:

درباره مجموعه پنج‌گانه مذکور، نکاتی شایسته ذکر است:

۱. فقدان اعتبار خاص تحلیل‌ها و مطالب منقول از کتاب‌ها

چنان‌که اشاره شد، اعتبار مطالب کتاب‌های مزبور، عمدتاً به سبب تاریخ نقلی و مشاهدات نویسندگان یا شنیده‌ها و اطلاعات دقیق آنها از واسطه‌ها، درباره شخصیت، زندگی و اندیشه آخوند است. در نتیجه، تحلیل‌ها و تفاسیر این نویسندگان، همچنین نقل‌های آنها از کتاب‌های منتشر شده در دسترس، ویژگی و اعتبار خاصی ندارد. از این زاویه، مطالب قابل توجهی از آنچه در برخی کتاب‌ها و نوشته‌های مزبور ذکر شده است (به صورت خاص، نوشته‌های دو نواده آخوند و نیز کتاب *حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آخوند خراسانی*) باید به عنوان «آثار تحقیقی و تحلیلی درباره آخوند» که عنوان بخش بعد است، در نظر گرفته شوند.

دو. لزوم احراز سه شرط «وثاقت»، «قوت ضبط» و «انصاف» در ناقلان

برای استفاده از منقولات تاریخی، باید «وثاقت» و «قوت ضبط» ناقلان آن احراز شود؛ امری که - به رغم تخلف برخی تاریخ‌نگاران از آن - بیشتر اندیشمندان اسلامی در علوم حدیث بدان پایبندند. ویژگی سومی نیز مهم به نظر می‌رسد و آن داشتن «انصاف» در نقل وقایع است (هرچند ممکن است این ویژگی، به نوعی در «وثاقت» گنجانده شود). در صورتی که منقول تاریخی با دو یا چند واسطه نقل شود، باید وثاقت، قوت ضبط و انصاف، در همه سلسله ناقلان احراز شود. با در نظر داشتن این دیدگاه

روشن و عقلایی، در بحث حاضر نیز باید وثاقت، قوت ضبط و انصاف نویسندگان و ناقلان اخبار درباره آخوند احراز شود.

در این زمینه، به نظر می‌رسد از میان پنج دسته آثار معرفی شده، مطالب دسته اول (نوشته‌های تراجم‌نویسان معاصر آخوند) اعتبار بیشتری دارد.

در استفاده از مطالب دسته دوم (نوشته‌های تفصیلی برخی شاگردان آخوند)، تا حدی باید احتیاط نمود؛ چراکه ارادت شدید برخی شاگردان آخوند به ایشان، و به صورت خاص آقاجفی قوچانی، موجب شده است تا از یک سو، در بیان شخصیت، ویژگی‌ها و عملکرد آخوند مبالغه صورت گیرد، و از سوی دیگر، منتقدان و مخالفان مشی سیاسی آخوند، به شدت تخریب شوند.

قضاوت درباره دسته سوم (مطالب برخی خاطرات‌نگاران معاصر آخوند)، یعنی خاطرات‌نویسان معاصر آخوند، متفاوت است و باید جداگانه درباره‌شان حکم کرد.

مطالب گروه چهارم (نقل‌های تاریخی با واسطه توسط خاندان آخوند)، در مواردی که نقل‌ها شفاهی است، از جهت ناقل آخر (یعنی دو نواده آخوند) معتبر است؛ اما برای اعتبار منقول، باید در هر مورد، سه شرط مذکور در واسطه یا واسطه‌ها احراز شود. طبعاً، با مجهول بودن واسطه‌ها، نمی‌توان به خبر اعتماد کرد، مگر آنکه قرینه و شاهد دیگری در میان باشد که موجب اطمینان به خبر شود.

در نهایت، درباره مطالب دو کتاب معرفی شده در دسته پنجم (نقل‌های تاریخی با واسطه توسط غیرخاندان آخوند)، تفکیک قایل می‌شویم:

۱. درباره مصاحبه‌های پیاده شده و مقالات مندرج در کتاب *حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آخوند خراسانی*، همان موضعی را خواهیم داشت که درباره مطالب دو نواده آخوند گفتیم (البته به استثنای چند مورد از آنچه در این کتاب آمده است که ناقلان آخر، یعنی مصاحبه شونده و نویسنده مقاله، یا خلاف واقع گفته‌اند یا به سبب عدم قوت ضبط، نقلشان دقیق نیست و یا نتوانستیم شروط سه‌گانه را در آنها احراز کنیم).

۲. درباره کتاب *دیدگاه‌های آخوند خراسانی و شاگردانش*، داوری ما این است که مطالب نسبت داده شده به آخوند، خلاف واقع بوده، و گزارشگر، مطالب و تحلیل‌های خود را با واسطه به آخوند نسبت داده است. دلایل و شواهد نادرستی استناد مطالب به آخوند خراسانی را می‌توان به اجمال، در هفت نکته بیان کرد: اول. ناسازگاری «گذشت زمان طولانی» و «دقیق بودن گزارش تفصیلی شفاهی»؛ دوم. دقت نکردن آقابزرگ تهرانی در نقل‌های شفاهی؛ سه. فقدان برجسته آقابزرگ در زمان نهضت

مشروطه؛ چهارم. ناسازگاری مطالب با روزگار آخوند؛ پنجم. تغییر و افزایش مطالب گزارش در طول چند سال؛ ششم. سطحی بودن استدلال‌ها و ناسازگاری آنها با مقام علمی آخوند؛ هفتم. تناسب‌نداشتن زمان مشروطه با پیشنهاد حکمرانی فقیهان.

با توجه به این هفت نکته، که شرح و بسط آن نیازمند نوشتاری جداگانه است (برای دریافت برخی توضیحات، ر.ک: جوادزاده، ۱۳۹۱، ص ۶۹—۷۷؛ «مصاحبه با استاد علی‌تقی منزوی»، ۱۳۸۶، ص ۴۳۷)، مطالب کتاب، تحقیقات و تحلیل‌های شخصی نویسنده به شمار می‌آید و در بخش بعدی («آثار تحقیقی و تحلیلی درباره آخوند») قرار می‌گیرد.

سه) شیوه برخورد با گزارش‌های متضاد

در جاهایی که میان مطالب ناقلان ثقه و ضابط تضادی وجود دارد، لازم است — همانند مواجهه فقیهان با دو روایت متضاد — به دقت بررسی شود و در مرحله اول، در مقام جمع میان آنها برآیم. در صورت نبود امکان جمع، باید با استفاده از عوامل رجحان، یک دیدگاه را انتخاب و دیدگاه دیگر را کنار بگذاریم. اسباب ترجیح یک نقل بر نقل متضاد، در علم «اصول فقه» به تفصیل بررسی شده است. از مهم‌ترین عوامل تقدم یک دیدگاه، کثرت ناقلان آن نقل نسبت به دیگری، و قوت ضبط ناقل آن دیدگاه بر ناقل دیگر است.

ج) آثار مهم تحقیقی و تحلیلی درباره آخوند (با تأکید بر حیات و اندیشه سیاسی)

تعداد این آثار زیاد است. غالب آنها در دو دهه اخیر به نگارش درآمده است. در ذیل، به مهم‌ترین این آثار اشاره می‌شود:

۱. کتاب «المصلح المجاهد الشیخ محمد کاظم الخراسانی» و برخی آثار عربی

کتاب *المصلح المجاهد الشیخ محمد کاظم الخراسانی*، نوشته مرحوم عبدالرحیم محمد علی به زبان عربی، در سال ۱۹۷۲ م / ۱۳۹۲ ق / ۱۳۵۱ (توسط مطبعة النعمان در شهر نجف) منتشر شد. ظاهراً این کتاب ۲۴۸ صفحه‌ای را باید اولین کتاب مستقل چاپ شده درباره آخوند خراسانی به شمار آورد. همچنین شاید بتوان این اثر را مهم‌ترین کتاب در شرح حال آخوند به زبان عربی ارزیابی نمود. نویسنده در این کتاب، رویکردی تاریخی داشته و در بخش‌های متعدد کتاب، به بیان مشخصات و حیات اخلاقی، علمی، اجتماعی و سیاسی آخوند پرداخته است. به‌رغم زحمات نویسنده در تحقیق و تتبع برخی مسائل — از جمله استقصای اسامی تعداد زیادی از شاگردان آخوند، حاشیه‌نویسان و شارحان *کفایة الاصول*، و نیز

گردآوری مراثی بر آخوند— اما کتاب نوآوری زیادی ندارد و دارای اشتباهات و نارسایی‌هایی به‌ویژه در توضیح سیر وقایع و رخدادهای مشروطیت ایران است. البته این ایراد منحصر به کتاب مذکور نیست، بلکه منابع عربی متعدد — حتی دست اول — که در مقام توصیف موضع حوزه نجف و مراجع آن از جمله آخوند خراسانی نسبت به نهضت مشروطه ایران، مطالبی نوشته‌اند، در بیان رخدادهای مشروطیت ایران، دچار اشتباه‌ها و خلط‌های تاریخی — بعضاً فاحشی — شده‌اند. برای نمونه، می‌توان به یادداشت‌های چندصفحه‌ای مرحوم سید هبه‌الدین شهرستانی (که در کتاب *شعراء الغری* درج شده است) اشاره کرد. با این حال، از این منابع، می‌توان برخی مطالب مفید را درباره فضای فکری — سیاسی حوزه نجف عصر مشروطیت به دست آورد.

۲. کتاب «تشیع و مشروطیت و نقش ایرانیان مقیم عراق»

کتاب *تشیع و مشروطیت و نقش ایرانیان مقیم عراق*، نوشته دکتر عبدالهادی حائری در سال ۱۳۶۰ (توسط نشر امیرکبیر) در حدود ۴۰۰ صفحه انتشار یافت. این کتاب مشهور، مستقیماً درباره آخوند خراسانی نیست، بلکه آن‌گونه که نویسنده در مقدمه می‌نویسد، هدف آن است که واکنش «رهبران مذهبی» و «علمای طراز اول مذهبی» را «چه از نظر درگیری عملی و چه از حیث کمک‌های فکری آنان در انقلاب» مشروطیت، «در چارچوب فعالیت‌های مشروطه‌خواهی و نوشته‌های سیاسی مرحوم میرزا محمدحسین نائینی، مورد بررسی قرار دهد» (حائری، ۱۳۶۴، ص ۱). با توجه به اینکه مهم‌ترین رهبر مذهبی و عالم طراز اول مشروطه‌خواه، آخوند خراسانی — استاد میرزای نائینی — بوده است، این کتاب به صورت غیرمستقیم، بازگوکننده دیدگاه سیاسی آخوند و هدف وی از مشروطه‌خواهی است. از منظر نویسنده، اندیشه مشروطه‌خواهی علمای عراق تحت تأثیر اندیشمندان غربی از جمله مونتسکیو بوده است و آنها به‌رغم آنکه در مبارزه با استبداد واقع‌بین بودند، سرنگونی استبداد را اجتناب‌ناپذیر می‌دانستند، اما از سوی دیگر، «معنای واقعی و هدف بنیادی مشروطه‌گری» را نمی‌دانستند و عملاً تحت تأثیر فریب‌کاری برخی از مشروطه‌خواهانی قرار گرفتند که در پی حاکمیت سکولاریسم در ایران (و عثمانی) بودند (حائری، ۱۳۶۴، ص ۲۲۱-۲۲۵ و ۲۹۸-۲۹۹).

با وجود آنکه دیدگاه حائری در نقد غرب‌شناسی نائینی و حوزه مشروطه‌خواه نجف به ریاست آخوند خراسانی قابل پذیرش است، اما نگاه و تحلیل وی درباره مشروطه‌خواهی آنها نادرست است. حائری رهبران مذهبی مشروطه را افرادی فاقد اصالت فکری دانسته، آنها را صرفاً واسطه و ابزار روشن‌فکران در میان مردم معرفی کرده است. این در حالی است که الگوی ذهنی آنها از

مشروطه و تفسیرشان از مشروطه را، که می‌توان از آن به «مشروطه اسلامی» تعبیر کرد، نشان‌دهنده تفاوت و امتیاز آنها از روشن‌فکران بوده، بیانگر اصالت فکری آنها می‌باشد. به عبارت دیگر، آگاهی ناقص علمای مشروطه‌خواه — و در رأس آنها آخوند و نائینی — از غرب جدید، موجب نمی‌شود که نوآوری‌ها و اصالت‌های آنها را نادیده بگیریم (برای اطلاع از محتوا و بررسی انتقادی کتاب، ر.ک: جوادزاده، ۱۳۸۵، ص ۲۳-۶۵).

۳. کتاب «حوزه نجف و فلسفه تجدد در ایران»

کتاب *حوزه نجف و فلسفه تجدد در ایران*، نوشته دکتر موسی نجفی، در سال ۱۳۷۹ (به صورت مشترک، توسط دو مرکز علمی در تهران: «پژوه‌شگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی»، و «مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران») در حدود ۸۳۰ صفحه منتشر شد. از مطالب این کتاب نیز به صورت غیرمستقیم، می‌توان نگاه نویسنده به مشروطه‌خواهی آخوند را به دست آورد. هدف و رویکرد اصلی کتاب ارائه دیدگاه حوزه مشروطه‌خواه نجف و در رأس آن آخوند خراسانی نسبت به تمدن اسلامی و غرب با تأکید بر نظام سیاسی است. بخش قابل توجهی از حجم زیاد کتاب (حدود ۶۰۰ صفحه از ۸۳۰ صفحه) را، متن نشریات فارسی‌زبان حوزه نجف در مشروطه دوم (سال‌های ۱۳۲۸-۱۳۳۰) تشکیل می‌دهد. این نشریات (*الغری، درة النجف و النجف*) تاحدی تحت نظر آخوند منتشر می‌شد و تلگراف‌ها و نامه‌های سیاسی آخوند در آنها به چاپ می‌رسید. نویسنده کتاب — در نقطه مقابل دکتر حائری — درباره نوشته‌های حوزه مشروطه‌خواه نجف به ریاست آخوند خراسانی معتقد است:

غرب نگرش جدید به عالم و آدم و دنیاست، هرچند این را به صراحت نظر به‌پردازی نکرده‌اند؛ اما در لابه‌لای مباحث آنان تضاد آشکار غرب نسبت به دنیای اسلامی نمایان است. لایه‌های سکولاریزم، سنت‌ستیزی، نسبییت اخلاق و ارزش‌ها، تساهل و مدارا نسبت به حقوق الهی در این رسائل مورد نقد قرار گرفت و نجف اینها را جزو ذات فرهنگ و سیاست غرب می‌داند (نجفی، ۱۳۷۹، ص ۱۹-۲۰).

به نظر می‌رسد این مطالب — که ناظر به مشروطه دوم بوده — قابل تأمل و نقد است؛ زیرا هم اثبات اینکه در مجلات فارسی‌زبان نجف، «سکولاریزم، سنت‌ستیزی، نسبییت اخلاق و ارزش‌ها و تساهل و مدارا نسبت به حقوق الهی» را به غرب نسبت داده‌اند، مشکل است، و هم ادعای آنکه «نجف اینها را جزو فرهنگ و سیاست غرب می‌داند»، نادرست است. نقدهای مطرح شده در این مجلات بر غرب، غالباً، درباره ماهیت استعماری غرب و بر غرب‌زدگی و تقلید از غرب است، نه از این حیث که تمدن غربی بریده از شرع است، بلکه از این نظر که فرهنگ آنان را بر اساس آموزه‌های مسیحیت و سازگار با

اوضاع آنان دانسته‌اند و در نتیجه، با جامعه ایرانی که صرف‌نظر از اختلاف دینی، دارای وضعیت جغرافیایی-تاریخی و فرهنگی دیگری است، مناسب نمی‌دانستند.

۴. دو مقاله در کتاب «مجموعه مقالات ... آیت‌الله محمدکاظم خراسانی»

در سال ۱۳۸۴، کتاب *مجموعه مقالات همایش بررسی مبانی فکری و اجتماعی مشروطیت ایران: بزرگداشت آیت‌الله محمدکاظم خراسانی*، به کوشش ستاد بزرگداشت یکصدمین سالگرد نهضت مشروطیت (توسط دانشگاه تهران و مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی) منتشر شد. با وجود عنوان کتاب، موضوع بیشتر مقالات این مجموعه ارتباطی با *آخوند خراسانی* ندارد، و تنها مقالات محدودی به شخصیت و اندیشه *آخوند خراسانی* پرداخته‌اند. در این میان، دو مقاله درباره اندیشه سیاسی *آخوند خراسانی* است: (۱) مقاله‌ای از دکتر محسن کدیور با عنوان *اندیشه سیاسی آخوند خراسانی*؛ (۲) مقاله‌ای از دکتر داود فیروزی با عنوان «مبانی فقهی مشروطه‌خواهی از دیدگاه *آخوند خراسانی*». رویکرد این دو مقاله ارائه تحلیل و تفسیری دموکراتیک از اندیشه سیاسی خراسانی است و نویسندگان آنها در مقام آن هستند که اثبات کنند *آخوند* اندیشه ولایت عامه فقیه را نپذیرفته، به مشروعیّت حکمرانی فقیه جامع‌الشرایط معتقد نیست، بلکه از منظر وی، مشروعیّت حکومت و تصرف در حوزه عمومی در عصر غیبت، با «جمهور» مسلمانان و «تقات مؤمنان» است. مطالب این دو مقاله (به صورت کامل یا خلاصه یا بخش‌هایی از آن دو)، در برخی نشریات و کتاب‌های دیگر نیز آمده است؛ از جمله آقای کدیور، خلاصه‌ای از مقاله خود را در بخشی از مقدمه کتاب *سیاست‌نامه خراسانی* آورده است.

مهم‌ترین تکیه‌گاه کدیور در اثبات نظر خود، دو عبارت در دو تلگراف صادرشده از سوی *آخوند خراسانی* در دوره موسوم به «استبداد صغیر» است («تلگراف به محمدعلی شاه» و «تلگراف پاسخ به سؤال مردم همدان»؛ چنان‌که این دو عبارت، در پشت جلد کتاب آورده شده است. عبارت استنادشده در تلگراف اول چنین است: «... ضروری مذهب است که حکومت مسلمانان در عهد غیبت حضرت صاحب‌الزمان عجل‌تعالیه با جمهور بوده...» (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۷۷، بخش دوم، ص ۲۳۰) در پاسخ به این استناد می‌گوییم: واژه «جمهور» در برخی موارد استعمال در عصر مشروطه، معادل «فقه» بوده است؛ چنان‌که *ثقه الاسلام تبریزی* در رساله «الان»، که خطاب به علمای نجف و در رأس آنها *آخوند خراسانی* در همان دوره موسوم به «استبداد صغیر» نوشته، آورده است: «نواب امام علیه متصدی امر سلطنت شوند و اجرای عدل مذهبی نمایند و تمامی بدع و امور مخالفه شرع را محو کنند که آن را — به اصطلاح — جمهوریت ... گویند، (فتحی، ۱۳۵۵، ص ۴۲۹-۴۳۰). عبارت استنادشده در تلگراف دوم نیز چنین است:

«... موضوعات عرفیه و امور حسبیه در زمان غیبت، به عقلائی مسلمین و ثقات مؤمنین موقوف است و مصداق آن همان دارالشورای کبری بوده...» (نجفی قوچانی، ۱۳۷۸، ص ۵۲). با تأمل در مطالب قبلی تلگراف، نمی‌توان به عبارت موردنظر تمسک کرد؛ زیرا جمله‌ای که قبل از عبارت استنادشده، وجود دارد، نشان می‌دهد مطلب یادشده نوشته‌ای عملیاتی است. قبل از عبارت بالا، این جمله آمده است: «با نظر به مصالح مکنونه، باید مطویات خاطر را لمصلحه‌الوقت کتمان کرد، و موجزاً تکلیف فعلی عامه مسلمین را بیان می‌کنیم که موضوعات عرفیه...». این جمله نشان می‌دهد که *آخوند خراسانی* از جنبه نظری دیدگاه دیگری داشت (انحصار مشروعیّت حکمرانی در عصر غیبت به فقیهان؛ چنان‌که در حاشیه *المکاسب* بیان کرده بود). اما چون در مقام تحریک مردم برای برقراری نظام مشروطه و سرنگونی استبداد بود، طبعاً می‌بایست «تکلیف فعلی» را بیان می‌کرد، نه آنکه دیدگاه نظری‌اش را ذکر کند که ممکن بود بیان عمومی آن در شرایط حادثه دوره «استبداد صغیر»، نه تنها ثمره‌ای نداشته باشد، بلکه موجب پیشبرد اهداف مخالفان مشروطیت شود.

دکتر فیروزی نیز ضمن تحلیل‌های خویش، به نامه *آخوند خراسانی* به همراه شیخ‌عبدالله مازندرانی در مشروطه دوم به مجلس شورای ملی، درباره معرفی فقه‌ها به مجلس، در جهت تحقق اصل دوم متمم قانون اساسی تمسک جسته است. در بررسی این استناد، باید گفت: موضوع «ولایت فقیه» و موضوع «اصل دوم متمم قانون اساسی» — به‌رغم ارتباط با یکدیگر، اما — مستقل از هم هستند. در نتیجه، نمی‌توان از تفسیر و برداشت *آخوند* نسبت به اصل دوم، دیدگاه ایشان را درباره محدوده ولایت و اختیارات فقیهان به دست آورد (برای توضیح بیشتر، ر.ک: جوادزاده، ۱۳۹۱، ص ۹۹-۱۰۱).

۵. منشورات «کنگره آخوند خراسانی» (دوازدهم جلد کتاب ...)

کنگره «بزرگداشت آخوند خراسانی» (به مناسبت یکصدمین سالگرد شمس‌ی وفات *آخوند خراسانی*) توسط پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، در سال ۱۳۹۰ برگزار شد.

در قالب این همایش — در کنار انتشار دو شماره خبرنامه و یک جلد چکیده مقالات — دوازدهم جلد کتاب انتشار یافت. همچنین با همکاری «مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور»، نرم‌افزار کتابخانه‌ای *آخوند خراسانی* تهیه شد. این نرم‌افزار علاوه بر منشورات کنگره (دوازدهم جلد کتاب، خبرنامه شماره اول و چکیده مقالات)، شامل تمام آثار منتشرشده *آخوند خراسانی*، تعداد زیادی از

شروح و حواشی نگاشته شده بر کتاب *کفایة الاصول*، و نیز تصویر متن برخی مقالات منتشر شده در نشریات و کتاب‌هاست که به نوعی مرتبط با آخوند خراسانی بوده‌اند.

در مقام داوری جامع نسبت به این همایش و تولیدات علمی حاصل از آن، به‌ویژه مجموعه دوازده جلدی، باید تولیدات و آثار علمی را به سه بخش تقسیم کرد:

۱. گردآوری آثار نوشته شده توسط آخوند و تقریرات درس وی (از جمله: *فقه فتاوی آخوند خراسانی* در سه جلد، و *آخوند خراسانی به روایت اسناد* در یک جلد)؛
۲. جمع‌آوری و معرفی آثار علمی فراهم آمده درباره آخوند تا آن‌زمان (شماره نام *آخوند خراسانی* در سه جلد)؛
۳. عرضه تحقیقات نو درباره آخوند (از جمله: *مجموعه مقالات کنگره* در سه جلد، و *اندیشه سیاسی آخوند خراسانی* در یک جلد).

ارزیابی کلی ما درباره این سه بخش، چنین است: از زاویه اول، در سطح متوسط؛ از زاویه دوم، خوب (البته در بخش سیاسی، تاحدی گزینشی و جهت‌دار)؛ و از بُعد سوم، ضعیف (به‌ویژه در زمینه حیات و اندیشه سیاسی). از سوی دیگر، وجود اغلاط و اشتباهات متعدد و بعضاً فاحش، در مجموعه دوازده جلدی، که نشان‌دهنده تعجیل، و نبود دقت کافی و احاطه علمی لازم دست‌اندرکاران همایش است (به عنوان نمونه، مقایسه شود، مقاله «تقابل و تعامل آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمدکاظم یزدی در جریان انقلاب مشروطه»، در مجلد نهم از مجموعه مقالات کنگره، با مقاله‌ای با همین عنوان در مجلد سوم).

جلد آخر و دوازدهم از مجموعه مذکور با عنوان *اندیشه سیاسی آخوند خراسانی* توسط منصور میراحمدی نگارش یافته و در ۲۰۰ صفحه در قطع رقیعی به چاپ رسیده است. ظاهراً این کتاب تنها کتابی است که با عنوان *اندیشه سیاسی آخوند خراسانی* منتشر شده است. (گرچه برخی مقالات با این عنوان منتشر شده بود: اولین مقاله با این عنوان - تا آنجا که تتبع نگارنده نشان می‌دهد - توسط آقای جلال توکلیان در نشریه *کیان*، شماره ۴۲، خرداد و تیر ۱۳۷۷ منتشر شد که به صورت جهت‌دار و نسبت دادن مطالب کذب به آخوند تدوین یافته بود. همچنین مقاله محسن کدیور نیز - که قبلاً معرفی شد - با همین عنوان منتشر گردیده است).

متأسفانه مطالب دکتر میراحمدی و دیدگاه وی درباره این نکته محوری در اندیشه سیاسی آخوند که: «آیا مشروعیت تصرف در حوزه عمومی و حق حاکمیت در عصر غیبت از آن فقیه جامع‌الشرایط

است یا مؤمنان عادل و یا مطلق مردم؟» ابهام جدی دارد. به نظر می‌رسد نویسنده میان برخی مطالب آخوند در آثار نوشتاری یا تقریرات درسی اش (یعنی آنچه در حاشیه *المکاسب* و تقریرات قضا آمده است که نشان‌دهنده اعتقاد یا تمایل وی به «ولایت فقیه» در حوزه عمومی است) و میان فعالیت‌های مشروطه‌خواهی ایشان، نوعی تضاد می‌بیند و تلاش دارد تا این دو را جمع کند؛ اما نتیجه جمع، روشن و شفاف نیست. برخی عبارات کتاب، معنایی جز پذیرش حق و مشروعیت مردم در حوزه عمومی و حکمرانی ندارد.

۶. ویژه‌نامه‌های نشریات درباره آخوند

برخی نشریات کشور، ویژه‌نامه‌هایی را درباره آخوند خراسانی، به‌ویژه ابعاد سیاسی ایشان، در سال‌های اخیر انتشار داده‌اند؛ همچون هفته‌نامه *شهروند امروز* (ش ۵۸، ۲۰ مرداد ۱۳۸۷)، فصلنامه *حوزه* (ش ۱۶۱ و ۱۶۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰)، ماهنامه *زمانه* (ش ۲۱ و ۲۲، بهمن و اسفند ۱۳۹۰، کتاب ضمیمه با عنوان *تبیین تبع‌صحب آخوند خراسانی*). این ویژه‌نامه‌ها، دربردارنده مقالات، مصاحبه‌ها و برخی سخنرانی‌ها درباره جنبه‌های گوناگون شخصیت و اندیشه آخوند، به‌ویژه ابعاد سیاسی ایشان است.

۷. برخی موارد دیگر

آنچه ذکر شد، مهم‌ترین آثار تحقیقی و تحلیلی درباره آخوند (با تأکید بر حیات و اندیشه سیاسی ایشان) بود. غیر از موارد مذکور، چند کتاب و تعداد زیادی مقاله در این زمینه منتشر شده است. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، برخی کتاب‌های دیگری که درباره شخصیت و حیات علمی و مواضع و اندیشه سیاسی آخوند خراسانی به نگارش درآمده (همچون *آخوند خراسانی: آفتاب نیمه شب یا سینای دانش*) فاقد تحقیقات جدید درخور توجه هستند.

در میان مقالات بسیار منتشرشده، مقالاتی در برخی دایرةالمعارف‌ها، دانش‌نامه‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها (مانند *دایرةالمعارف بزرگ اسلام*، *دایرةالمعارف تشیع* و *فرهنگ ناموران معاصر ایران*)، یا در برخی مجموعه‌های متأخر در معرفی و شرح حال علمای شیعه (مانند *گلشن ابرار و علمای مجاهد*) انتشار یافته است. این مقالات - به‌رغم تفاوت با یکدیگر، به لحاظ کمی و کیفی - عمدتاً بر اساس منابع دیگر نگاشته است و نمی‌توان نوآوری خاصی در آنها مشاهده کرد، هرچند از چنین مقالاتی شاید نتوان انتظار تحقیقات جدید داشت.

از جمله آثار در زمینه حیات و اندیشه سیاسی آخوند خراسانی، برخی تحقیقات به زبان انگلیسی

درباره حوزه نجف عصر مشروطه و آخوند خراسانی است. به رغم آنکه موارد زیادی از این تحقیقات و تحلیل‌ها، محل تأمل و نقد است، اما برخی از آنها نیز نوآوری‌هایی دارند.

قسمت‌هایی از آثاری که در بخش دوم با عنوان «نقل‌های تاریخی معاصران آخوند درباره وی» معرفی شد، مطالب منقول از منابع دیگر یا تحلیل‌ها و تفاسیر نویسندگان یا گویندگان است. طبعاً این مطالب، اعتبار ویژه و حجیت فی‌نفسه ندارند. در نتیجه، این قسمت از مطالب آن آثار، در بخش حاضر (آثار تحقیقی و تحلیلی) قرار می‌گیرند.

در میان برخی مقالات دیگر درباره حیات و اندیشه سیاسی آخوند و نیز بخش‌هایی از برخی کتاب‌ها، که به موضوع مشروطه و عالمان دینی پرداخته‌اند، می‌توان نکات و تحلیل‌های جدیدی به دست آورد، در همین زمینه، از نوشته‌های قابل اعتنا درباره آخوند خراسانی، برخی نقل‌های باواسطه و تحلیل‌های مرحوم استاد علی ابوالحسنی (منذر) است که در ضمن کتاب‌های مهم وی درباره شیخ فضل‌الله نوری و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی (صاحب عروة) آمده، یا بعضاً به صورت مقاله مستقل، نگارش و انتشار یافته است. همچنین برخی مقالات (مانند «تجلی ولایت مطلقه فقیه در سیره عملی آخوند خراسانی»، نوشته محمد صادق مزینانی، مندرج در فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۵۹) در اثبات اعتقاد آخوند به انحصار مشروعیت حکمرانی در عصر غیبت به فقیهان، منتشر شده که — به رغم برخی اشتباهات — دارای نکات مفیدی است.

از جمله آثار تحقیقی و تحلیلی منتشر شده در ارتباط با زندگی و اندیشه سیاسی آخوند خراسانی، چند مقاله و یک کتاب از سوی نگارنده است. کتابچه «حاکمیت سیاسی فقیهان از دیدگاه آخوند خراسانی» — که در حجم کم توسط انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی در سال ۱۳۹۱ به چاپ رسید — در مقام اثبات این نکته است که از نظر آخوند خراسانی، مشروعیت حکمرانی سیاسی در عصر غیبت، با فقه می‌باشد. پس از ارائه دو دلیل بر این مطلب، در ادامه، به ارزیابی برخی اسناد و گزارش‌های مطرح شده در تنافی با دیدگاه مذکور، پرداخته شده، و اشکالات دلالی و سندی آنها روشن شده است. مهم‌ترین این اسناد و گزارش‌ها، دو سند تلگرافی از آخوند خراسانی و گزارش آقای اکبر ثبوت به نقل از شیخ آقابرگ تهرانی است.

نگارنده، در تکمیل تحقیقات خویش درباره آخوند خراسانی، طرحی تفصیلی را در خصوص اندیشه سیاسی در دست تدوین دارد. در کنار، ارائه مباحث جدید، و بسط مباحث مطرح شده در جنبه‌های گوناگون حیات و اندیشه آخوند به صورت جامع، مستند و متقن، از مهم‌ترین نوآوری‌های

این طرح، فراهم آوردن چارچوب نظری و طرح دیدگاه سیاسی آخوند بر اساس آن می‌باشد. چکیده دیدگاه نگارنده در این طرح، چنین است:

پاسخ به این سؤال که «اندیشه سیاسی آخوند ملامحمد کاظم خراسانی در عرصه مشروعیت حکومت در عصر غیبت چه بود، و این اندیشه چه نسبتی با مشروطه‌خواهی وی داشت؟»، مبتنی بر توجه به وجود دو مقام و مظهر در اندیشه‌ورزی سیاسی است: نتیجه یک مقام را «اندیشه سیاسی ثابت»، و نتیجه منظر دیگر را «الگوی سیاسی»، بیان می‌کنیم. «اندیشه سیاسی ثابت»، عبارت است از مجموعه گزاره‌های انتزاعی، کلی و دائمی در حوزه سیاست که اصالتاً، ناظر به محیط سیاسی نیست؛ در مقابل، «الگوی سیاسی»، بخشی از اندیشه سیاسی است که با توجه به مبانی و اندیشه سیاسی ثابت، اصالتاً در پاسخ به محیط سیاسی ارائه می‌شود.

بر این اساس، اندیشه سیاسی ثابت آخوند خراسانی در حوزه مشروعیت حکومت (بر مبنای آنچه در حاشیه آخوند بر مکاسب آمده، و نیز برخی مستندات دیگر)، مراتب چهارگانه طولی حاکمیت: معصوم (ع)، فقیه جامع‌الشرایط، شیعه عادل و مسلمان فاسق را تشکیل می‌دهد؛ در نتیجه، مرحله اول از حقانیت حکومت در عصر غیبت، منحصر به فقیه جامع‌الشرایط است.

آخوند خراسانی، از یک سو، با در نظر داشتن این اندیشه سیاسی ثابت درباره مشروعیت حکومت، و نیز توجه به برخی اصول دیگر اندیشه سیاسی ثابت (همچون: لزوم دفع و تقلیل ظلم، و جوب نفی سلطه کفار، و جوب امر به معروف و نهی از منکر، و حسن مشورت)، و از سوی دیگر، با نظر به محیط سیاسی ایران عصر مشروطیت، ضمن آن که تشخیص داد شرایط و امکان عملی حکمرانی فقهایی جامع‌الشرایط در آن زمانه وجود ندارد، با برداشت و تفسیری اسلامی از قانون اساسی مشروطه ایران و متمم آن، به حمایت و سپس رهبری نهضت و نظام مشروطیت اقدام کرد. تفسیر اسلامی وی — و دیگر علمای مشروطه‌خواه — از نظام مشروطیت، موجب تولد الگوی سیاسی «مشروطه اسلامی» گردید. این الگو، در مقایسه با الگوی سیاسی «حاکمیت دو سویه» (که قبل از مشروطه برقرار بود)، ضمن کاستن ظلم و کم‌کردن اختیارات شاه و دربار، اولاً، مردم را در نظام سیاسی و امور کشور وارد می‌نمود، و ثانیاً، اختیارات فقها را بیشتر می‌کرد؛ چنان که به لحاظ تاریخی، در زمینه‌سازی الگوی سیاسی «جمهوری اسلامی» تأثیرگذار بوده است.

آنچه از برخی اسناد استنباط شده است، و نیز گزارش‌ها و تحلیل‌هایی که بیان می‌کند: آخوند، مخالف انحصار مشروعیت حکومت در عصر غیبت به فقیهان بوده، (و از نظر وی، ملاک حقانیت

حکومت در این دوره، خواست مردم است)، از یک سو مبتنی بر خلط میان «اندیشه سیاسی ثابت» و «الگوی سیاسی»، و از سوی دیگر، دارای ایرادات سندی و دلالتی می‌باشد.

جمع‌بندی

۱. در بررسی حیات و اندیشه سیاسی آخوند خراسانی، سه نوع منبع قابل ذکر است: (أ) تألیفات و آثار نوشتاری آخوند در عرصه سیاسی؛ (ب) نقل‌های معاصران آخوند درباره وی؛ (ج) آثار تحقیقی و تحلیلی درباره آخوند (با تأکید بر حیات و اندیشه سیاسی).

۲. مهم‌ترین منبع بیان‌کننده اندیشه سیاسی آخوند در حوزه مشروعیت حاکم، تعلیقات وی بر بحث ولایات سه‌گانه شیخ انصاری در مکاسب است. طبق حواشی آخوند، وی به رغم قاصر دانستن دلالت ادله روایی بر عمومیت ولایت فقیه در عصر غیبت، اما از راه قدر متیقن (که به دلیل حسبه تعبیر می‌شود)، انحصار مشروعیت حکمرانی در عصر غیبت به فقها را می‌پذیرد. و در ادامه می‌گوید در صورت فقدان فقیه، نوبت به مؤمنین عادل می‌رسد. تقریظ و تأیید مکتوب آخوند در سال‌های آخر عمر بر رساله تنبیه‌الامة — که توسط صحابی خاص ایشان میرزا محمدحسین نایینی نوشته شده و در بخش‌های گوناگون ر ساله، مشروعیت حکمرانی فقیهان، به عنوان امری مسلم و از «قطعیات مذهب» ذکر شده است — حکایت از آن دارد که اگر در نقد ایشان بر دلالت روایات مورد نظر، تغییر حاصل نشده است، دست‌کم، در اثبات حکمرانی فقیهان از راه حسبه و قدر متیقن، پابرجا و استوار است.

۳. نقل‌های معاصران آخوند درباره وی را می‌توان به پنج دسته تقسیم نمود. در بررسی این نقل‌ها، اولاً باید توجه داشت که تحلیل‌های ناقلان و مطالب منقول آنها از کتاب‌ها، اعتبار خاص و ویژه ندارد؛ ثانیاً، لازم است سه شرط «وثاقت»، «قوت ضبط» و «انصاف» در سلسله ناقلان، احراز شود؛ ثالثاً، در برخورد با گزارش‌های متضاد میان نقل‌های صورت‌گرفته، می‌بایست در مرحله اول، در مقام جمع میان آنها برآمد. و در صورت عدم امکان جمع، با رجوع به عوامل رجحان، یک دیدگاه را انتخاب کرد.

۴. برخی نویسندگان که به نظام‌های سیاسی دموکراتیک غربی گرایش دارند و مبنای مشروعیت حکومت را خواست مردم می‌دانند، با تکیه بر برخی اسناد، گزارش‌ها و تحلیل‌ها از مواضع سیاسی آخوند در دوره نهضت مشروطیت، تلاش کرده‌اند به نوعی تفکر ایشان را سازگار با اندیشه‌های

مردم‌سالار غربی، و در نقطه مقابل دیدگاه سیاسی فقهای شیعه قرار دهند؛ بویژه آن‌که آخوند در مقام عمل، از نظامی حمایت نمود که بظاهر، در عرض نظام مبتنی بر ولایت فقیه بوده است. بر مبنای این رویکرد تفسیری به اندیشه آخوند، نظام مشروطه، نسبت به نظام جمهوری اسلامی، تکامل یافته بود و به رغم عدم تحقق عملی مشروطه مورد نظر آخوند، اما، نظام محقق‌شده در ایران پس از انقلاب اسلامی، نوعی سیر فقه‌رایی در نسبت با مشروطه ذهنی آخوند می‌باشد.

۵. در نقطه مقابل رویکرد فوق به اندیشه سیاسی آخوند، دیدگاه و تفسیری وجود دارد که آخوند را (بر مبنای نوشته فقهی‌اش در حاشیه مکاسب و نیز برخی نوشته‌های سیاسی کوتاه)، همچون فقهای دیگر، موافق انحصار مشروعیت حکمرانی در عصر غیبت به فقیهان بیان کرده، مشروطه‌خواهی آخوند را در طول — و نه در عرض — آن معرفی می‌نماید. بر اساس این رویکرد به اندیشه سیاسی آخوند، اندیشه ثابت شیعه در حوزه مشروعیت حکومت، مراتب طولی چهارگانه: حاکمیت معصوم، فقیه جامع‌الشرایط، عدول مؤمنین و فساق می‌باشد. با در نظر داشتن اندیشه ثابت، علمای شیعه، الگوهای متعددی را در طول تاریخ، تدارک دیده یا مورد عمل قرار داده‌اند؛ این الگوها — به لحاظ ابتدا بر اندیشه‌های ثابت و نیز میزان کارآمدی — سیری تکاملی را طی کرده، به مشروطه و سپس جمهوری اسلامی رسیده است. و البته دلیلی بر توقف تکامل آن نیز وجود ندارد؛ اما آنچه مسلم است: بر مبنای اندیشه آخوند، بازگشت به الگوی مشروطه، و حذف یا محدود کردن نقش سیاسی فقیهان، نه تنها سیر تکاملی نمی‌باشد، بلکه، سیری نزولی و قهقرایی خواهد بود.

۶. بر مبنای رویکرد دوم، آنچه از برخی اسناد استنباط شده است، و نیز گزارش‌ها و تحلیل‌هایی که بیان می‌کند: آخوند، مخالف انحصار مشروعیت حکومت در عصر غیبت به فقیهان بوده، (و از نظر وی، ملاک حقانیت حکومت در این دوره، خواست مردم است)، از یک سو مبتنی بر خلط میان «اندیشه سیاسی ثابت» و «الگوی سیاسی»، و از سوی دیگر، دارای ایرادات سندی و دلالتی می‌باشد.

منابع

- جوادزاده، علیرضا، ۱۳۸۳، « تأملاتی در باره دو کتاب تاریخی از آقاجلی قوچانی»، در: آموزه، کتاب چهارم (جریان‌شناسی تاریخ‌نگاری مشروطیت)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❖.
- _____، ۱۳۸۲، «حیات و اندیشه سیاسی آخوند ملامحمدکاظم خراسانی»، در: آموزه، کتاب سوم (حیات و اندیشه سیاسی عالمان عصر مشروطیت)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۵، «گزارش و ارزیابی کتاب تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق»، *نامه تاریخ پژوهان*، سال دوم، ش ۷ (ویژه تاریخ معاصر)، ص ۲۳-۶۵.
- _____، ۱۳۹۱، *حاکمیت سیاسی فقیهان از دیدگاه آخوند خراسانی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❖.
- حائری، عبدالهادی، ۱۳۶۴، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*، چ دوم، تهران، امیرکبیر.
- خراسانی، محمدکاظم، ۱۳۹۱، «کتاب القضا»، تقریر: محمد آقازاده، در: *بحوث فی القضا (یحتوی علی ۱. القضا للمحقق الخراسانی، ۲. القضا للمحقق الثانی، ۳. القضا للمحقق العراقي، ۴. القضا للمحقق الخوی)*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- _____، ۱۴۰۶ق، *حاشیه کتاب المکاسب*، به کوشش سید مهدی شمس‌الدین، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
- فتحی، نصرت‌الله، ۱۳۵۵، *مجموعه آثار ثقة الاسلام شهید تبریزی*، بی‌جا، انجمن آثار ملی.
- «م‌صاحبه با استاد علی‌قلی منزوی»، ۱۳۸۶، در: محسن دریابیگی (به کوشش)، *حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آخوند خراسانی (مجموعه گفتار)*، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- «م‌صاحبه با حجة الاسلام والمسلمین عبدالرضا کفایی»، ۱۳۸۶، در: محسن دریابیگی (به کوشش)، *حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آخوند خراسانی (مجموعه گفتار)*، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد، ۱۳۷۷، *تاریخ بیداری ایرانیان*، چ پنجم، تهران، پیکان.
- نجفی قوچانی (آقاجلی قوچانی)، محمدحسن، ۱۳۷۸، *برگی از تاریخ معا صر (حیات الاسلام فی احوال آیه‌الملك العالم)*: پیرامون شخصیت و نقش آخوند ملامحمدکاظم خراسانی در پیشبرد نهضت مشروطیت، تهران، هفت.
- _____، ۱۳۸۶، *مجموعه الرسائل الفقهية (تقریرات لدروس محمدکاظم الخراسانی)*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- نجفی، موسی، ۱۳۷۹، *حوزه نجف و فلسفه تجدد در ایران*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه معاصر و مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.